

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

پنجشنبه ۲۶ سپتمبر ۲۰۲۴

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

از لابلای کتاب ماندگار

“افغانستان در تلاطم تاریخ”

قسمت سی و چهارم

بخش دوم

بخش اول این مبحث را از نظر گذشتانیدیم، میرسیم به بخش دوم و پایانی آن که اندک معلومات در مورد "فرقه قادریه" را در بر دارد که برای علاقه مندان خالی از دلچسپی نخواهد بود. یکبار دیگر به روح و روان خواهرگ دراک ما درود و دعا میفرستم که هر صفحه و هر سطر نوشته های پربار شان این کمترین را به دقت و تعمق بیشتر و بیشتر و امیدارد و بر معلومات اندک من می افزاید. در مورد این فرقه ها این کمترین و هیچمدان، هیچ معلومات نداشتیم، اما نوشته های پر عمق و محتوی ایشان زمینه تفحص و تجسس را در من بیدار نمود. روح و روان شان شاد و یاد شان همیشه گرامی باد.

اینهم اندک معلومات در مورد "فرقه قادریه" که مآخذ و منبع آن هم در ختم این بخش تذکر داده شده است تا اگر هموطنانی خواسته باشند، معلومات مفصل از آن منبع به دست آورده می توانند.

فرقه قادریه:

فرقه قادریه منسوب به عبدالقادر گیلانی است.

قادریه از «طریقت های اربعه اهل سنت» است که پیروانش سنی مذهب و وابسته به مکتب سُکر بوده و به ذکر جلی، سماع و جذب شهره می باشند .

فرقه قادریه منسوب به «ابو محمد محیی الدین عبدالقادر گیلانی یا جیلانی» (۴۷۱-۵۶۱ق) است عبدالقادر گیلانی، زاهدی اشعری الاصولو حنبلی الفروع، از شمال ایران بود که عزم عراق کرد و در آنجا مریدان و شهرت زیادی کسب کرد و امروزه نزد جمیع اهل سنت احترام و تقدس زیادی دارد.

اما این فرقه این فرقه توسط عبدالقادر تاسیس نشد، بلکه به دست نوادگان و مریدان عبدالقادر در سال های بعدی تشکیل شد که به آنها «القادریون» می گفتند .

این فرقه در منابع قرن هفتم و هشتم هجری بازتاب چندانی ندارد و به نظر می رسد مفهوم «طریقت قادریه» در حوالی سده نهم شکل گرفته باشد. عقائد دینی و عرفانی عبدالقادر توسط فرزندان ذکورش به مراکش، مصر، عربستان، ترکستان و هند منتقل شد. «علی بن حداد» عقائد عرفانی گیلانی را به یمن برد و «محمد البطائنی بعلبکی» سلسله قادریه را در سوریه رواج داد.

قادریون بعضا با حکام مناطق مختلف نیز مرتبط شده و به مقامات عالی رسیدند، مانند شاهزاده داراشکوه فرزند «جهان شاه گورکانی» که از حکام هند بودند .

دراویش قادریه در دوره عثمانی، رابطه مستحکمی با سلاطین عثمانی برقرار کرده و با همدیگر علیه حکومت شیعی صفویه فعالیت می کردند. اتحاد سیاسی شیوخ برزنجی و دولت عثمانی به حدی بود که «سلطان عبدالحمید دوم» (متوفی ۱۳۲۷ق) در جنگ ۱۲۹۵ق با روسیه از «کاک احمد سیخ» (متوفی ۱۳۰۴ق) شیخ متنفذ قادری کردستان، تقاضای تحریک مردم به جهاد و ارسال نیرو کرد و کاک احمد، نیروهایی از مریدان خود را به فرماندهی نوه اش «شیخ سعید» (متوفی ۱۳۲۷ق) به کمک سپاه سلطان فرستاد .

فرقه قادریه تا حوالی قرن نهم و دهم شهرت و نفوذ زیادی داشت، اما با گسترش نقشبندیه، از دامنه نفوذ آن کاسته شد و بیشتر اهل سنت، «نقشبندیه» را به «قادریه» ترجیح می دادند زیرا آنها هم التزام بیشتری به شریعت داشته و هم چهره های مهم تر و شاخص تری، شیخوخیت شان را برعهده داشت. «پطروشفسکی» مستشرق روسی می نویسد: «طریقه قادریه تا قرن نهم هجری پیروان فراوانی داشته است. در مصر نیز تکیه ها و خانقاه های دراویش قادری پر از رونق و علاقه مندان و مشتاقان این طریقت بود و این طریقت از آنجا به افریقا رفت و طرفداران زیادی جلب نمود.»
وجه تسمیه این فرقه به قادریه، به جهت انتساب این دراویش به سرسلسله آنها یعنی عبدالقادر گیلانی است.

رهبران و مشایخ

مهم ترین رهبران و مشایخ این فرقه عبارتند از: عبدالقادر گیلانی، اسماعیل ولیانی، سادات برزنجی، محمد الکسنزان، عبدالسلام مشیش و ... [جهت معلومات مفصلتر رجوع شود به "ویکی تصوف"

ختم این مبحث

این سلسله ادامه دارد...